

عهد کتاب (۲)

نسیم حسینی

مدیر پژوهش و انتشارات آژانس نسخ خطی مفا

| ۲۴۳-۲۵۱ |

Book Offer (2)

Nasim Hassani

The Book Offer is a new section in the Ayeneh Pazhuhash journal, dedicated to introducing new books in the fields of Islamic studies, religious studies, history, culture, and art in Muslim societies. The priority is given to introducing books that have not been translated into Persian and have been published by reputable academic publishers. In this issue, three books are introduced:

»The World of the Ancient Silk Road«

»Baghdad and Isfahan«

»Land and Trade in Early Islam: The Economic History of the Islamic Middle East from 750 to 1050 AD«

چکیده: عهد کتاب بخش جدیدی در مجله آینه پژوهش است که در آن به معرفی کتاب های تازه در حوزه مطالعات اسلامی، مطالعات ادیان، تاریخ، فرهنگ و هنر جوامع مسلمان می پردازیم. اولویت در معرفی کتاب هایی است که به فارسی ترجمه نشده اند و از سوی ناشران معتبر دانشگاهی منتشر شده اند.

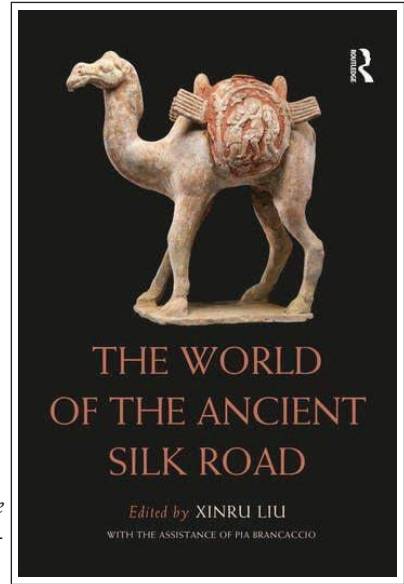
سه کتابی که در این شماره معرفی می شوند عبارتند از:

دنیای جاده باستانی ابریشم

بغداد و اصفهان

زمین و تجارت در اسلام نخستین: اقتصاد خاورمیانه اسلامی

در قرون ۷۵۰ تا ۱۰۵۰ میلادی



Xinru Liu, *The world of the ancient Silk Road. The Routledge worlds*. Abingdon; New York: Routledge, 2022

لیو شینرو، محقق برجسته چینی در مطالعات جاده ابریشم، در این کتاب مقالات ۲۸ محقق را که نیمی از آنها چینی هستند، گرد هم آورده است. گسترش مطالعات جاده ابریشم از حوزه مطالعات چین به مرحله تاریخ جهان از جمله اهداف او است

کتاب از چهار بخش تشکیل شده است: ۱- چشم انداز جاده ابریشم، ۲- بادیه نشینان و عشایرو جوامع کشاورزی، ۳- تجارت ابریشم و شهرها و ۴- امپراتوری‌ها و ادیان.

آنگونه که وانگ بینگوا، نویسنده مقاله «فرهنگ عصر برنز کونگکو-هه» تأکید می‌کند، «اطلاعات آثار باستان شناسی که هیچ یک از آنها در اسناد ادبی باقی مانده موجود نیستند، برای پژوهش در مورد تمدن‌های اولیه اوراسیا بسیار ارزشمند هستند». به عنوان یک باستان شناس برجسته چینی که بیش از ۴۰ سال در کاوش‌های باستان شناسی در سین کیانگ مشارکت داشته، وانگ بینگوا به فرهنگ عصر برنز در Lop-n دریاچه در بخش شرقی Tarim می‌پردازد که مکان‌های مهمی در مسیر جاده ابریشم بوده اما تا همین اواخر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با وجود داده‌ها و تصاویری که از کاوش‌ها بدست آمده، وانگ بینگوا تصویری واضح از زندگی محلی را با «ارتباطات بین جمعیت‌های اولیه در چین، آسیای جنوبی، جنوب غربی آسیا و مناطق کوهستانی قفقاز» را ترسیم می‌کند..

مردم مرکز اصلی مطالعات جاده ابریشم هستند. آنها نه تنها ساکنان آن بودند، بلکه شرکت‌کنندگان و متولیان تجارت، مبادلات فرهنگی، گسترش مذهب و روابط سیاسی در امتداد جاده ابریشم بودند. در گذشته به دلیل محدودیت منابع، شواهد باستان شناسی و تمرکز تحقیقات

تاریخی بر تمدن های بزرگ، مردم و فرهنگ های آنها در جاده ابریشم مورد توجه کافی قرار نمی گرفت. با این حال، این پدیده در دهه های اخیر، به ویژه با توسعه سریع مطالعات و اواخر باستان و تاریخ جهان، بسیار دگرگون شده است. جیا بیکن در دو فصل «قیرقیز، در جنگل و در استپ» و «قیرقیز، مردمی که بین امپراتوری ها زندگی می کردند» نشان می دهد که قیرقیزها هر چند نقش چندانی در جاده ابریشم نداشتند، در قیاس با سایر مردم کوچ نشین در شبکه تعامل سیاسی و اقتصادی استپ های اوراسیا ادغام شدند و نقشی مهم در امور بدست آوردند: «از زمانی که مردم قیرقیز وارد اسناد تاریخی شدند، از رقابت، درگیری ها بین امپراتوری های اطراف استپ، و ظهور و سقوط قدرت ها در استپ جان سالم به در بردند و حتی به یک نیروی مسلط در استپ تبدیل شدند». او در این مقاله مشارکت قیرقیزها در سیاست پیچیده امپراتوری های بی تحرک عشایری و کشاورزی و جوامع جنگلی، تغییرات چشمگیر ژئوپلیتیک و تحولات اجتماعی-اقتصادی را در منطقه وسیعی که مسیر عبور جاده ابریشم استپی بود، نشان می دهد.

از دیگر مقاله های قابل توجه این مجموعه مقاله «سغدیان در چین: یافته های تازه در تاریخ، باستان شناسی و زبان شناسی» است که نشان می دهد سغدیان به عنوان مهم ترین واسطه بین قدرت های بزرگ فعال در جاده ابریشم، با آثار باقیمانده بسیار در باستان شناسی و متون (نامه ها، نسخه های خطی و آثار مذهبی) به دلیل اکتشافات مستمر بقایای سغدیان در دهه های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده اند. در طول دو دهه گذشته، همکاری های زیادی بین محققان بین المللی و چینی درباره مطالعات سغدی شکل گرفته و کنفرانس های بین المللی زیادی در این باره در چین برگزار شده است. ژانگ شیائوگی، محقق برجسته زرتشت و دین زرتشتی، در مقاله خود با عنوان «دین سغدی در امتداد جاده ابریشم»، منابع چینی را که دین زرتشتی را در چین قرون وسطی با شواهدی از گورهای سغدی در چین ثبت کرده اند، تحلیل می کند. او نتیجه می گیرد که آیین زرتشتی در میان سغدیان چین با گذشت زمان کمتر نفوذ کرد و به تدریج جذب آیین های عامیانه چینی شد.

اگرچه روابط بین بیزانس و چین باستان برای بیش از یک قرن مورد مطالعه قرار گرفته است، این موضوع هنوز نتوانسته توجه زیادی را به خود جلب کند. با افزایش یافته های جدید و مطالعات بیشتر در ۲۰ سال گذشته، مطالعات بیزانسی در چین بسیار به روز شده اند. لین یانگ متخصص روابط چین و بیزانس است و تحقیقات او شامل سکه های بیزانسی یافت شده در چین تا ادبیات و هنر بیزانس را که در منابع چینی ثبت شده اند در بر می گیرد.

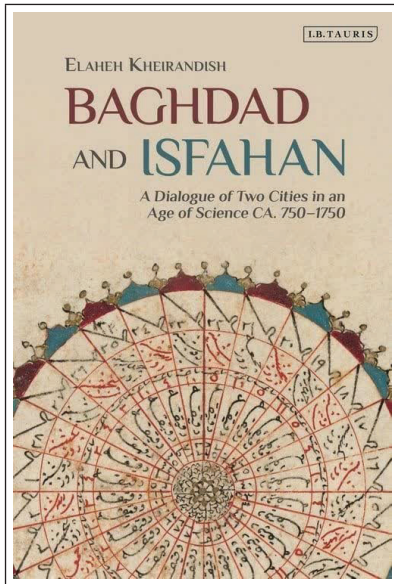
او در مقاله خود با عنوان «خدای کنج های غربی»، به تصویری می پردازد که در منابع چینی و متون بودایی از بیزانس به عنوان یک دولت ارزشمند غربی ارائه شده است، برداشتی که توسط سکه های بیزانسی یافت شده تایید میشوند. او در مقاله خود نتیجه می گیرد که تحسین بیزانس

که در متون بودایی چینی «ارباب گنج» نیز نامیده می‌شود) از چانگان، بر اساس سراب و تخیل بوده است.

علاوه بر این مقالات، مقالات دیگری در این مجموعه از محققان چینی و بین‌المللی از دیدگاه‌های مختلف نشان دهنده اهمیت جاده ابریشم در تاریخ جهان است. همان‌طور که ویراستار در مقدمه توضیح می‌دهد: «غالب محققان بریک منطقه خاص یا چند منطقه، یک فرهنگ خاص یا چند فرهنگ مرتبط، یا به دنبال تخصص خود در یک موضوع تمرکز کرده‌اند. ادغام تخصص پژوهشگران رشته‌ها و مناطق مختلف در یک مجموعه ساختارمند، افق‌های نویی را در باب چندین پدیده تاریخی که کمتر به آنها پرداخته شده، پیش چشم می‌نهد».

ویرایش این مجموعه با تعداد زیادی از محققان از کشورهای و زمینه‌های مختلف کارآسانی نیست، بنابراین میتوان برخی از اشتباهات جزئی در املاء و ناهماهنگی در رونویسی نام‌ها که می‌تواند برای خوانندگان گیج‌کننده باشد، مانند قرقیز را تا حدودی نادیده گرفت. در مقاله سانگ شیان چنین خطاهایی وجود دارد به عنوان مثال تیانبائورا تیانبو ثبت کرده اند یا نام یزدگرد، یزدگرد آمده است..

اگرچه برخی از محققان بین‌المللی حتی در مورد وجود جاده (یا جاده‌ها) ابریشم نیز شبهه‌هایی را ابراز کرده‌اند، در سال‌های اخیر، جاده ابریشم به موضوعی بسیار محبوب در محافل دانشگاهی و غیردانشگاهی در سراسر جهان تبدیل شده که طبعاً از ابعاد سیاسی خالی نیست. به خصوص در دانشگاه‌های چین، مطالعات جاده ابریشم امروزه یکی از محبوب‌ترین رشته‌هاست. این امر بیشتر به دلیل توسعه زیرساخت‌های چین و طرح معروف «کمربند و جاده» است که نه تنها نیاز به شناخت این جاده را نشان می‌دهد، بلکه فرصت و بستری را برای توسعه مطالعات جاده ابریشم فراهم می‌کند. از طرف دیگر، مطالعات جاده ابریشم نیز به سرعت در خارج از چین در حال توسعه است. تحت تأثیر جهانی شدن و اشتیاق به دانستن بیشتر در مورد چین، به ویژه تاریخ آن در جهان، تعداد چشمگیری از محققان بین‌المللی نیز به مطالعات جاده ابریشم رو آورده‌اند. بدون شک، کتاب دنیای جاده باستانی ابریشم برای مخاطبان علاقه‌مند به تحقیقات چینی در زمینه مطالعات جاده ابریشم جذابیت دارد و با اطلاعات غنی باستان‌شناسی، فرهنگی و زبانی خود، مرجع مفیدی برای دانشجویان خواهد بود.



Elaheh Kheirandish, *Baghdad and Isfahan: A Dialogue of Two Cities in an Age of Science ca. 750-1750*, I.B. Tauris, 2021.

الهه خیراندیش در کتاب بغداد و اصفهان، گفت‌وگوی دو شهر در شهر علم و روشی جدید که باب طبع خوانندگانی است که در پی فرم‌های جدید هستند به تاریخی می‌پردازد که در قالب داستان دیالوگ بین دو شهر بیان شده است. در این جهان داستانی، دست‌نوشته‌ای کشف شده با عنوان «مکالمه بغداد و اصفهان» باعث افزایش درک علمی یک دانشجوی خیالی به نام چارلز لئو سکرینبرمی‌شود. با یک ساختار داستانی، لئو هم اطلاعات تاریخی را از منظر خود در اختیار خواننده قرار می‌دهد و هم مخاطب را به سمت درک بهتر و پخته‌تری از مطالب سوق می‌دهد.

کتاب در هفت فصل تنظیم شده که خلاصه تحقیقات مؤلف و تجربه‌های تدریس او در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ و نیز اطلاعات موزه‌ای است. لئو، قهرمان خیالی داستان، تصحیح دست‌نوشته پیش‌گفته «مکالمه بغداد و اصفهان» را به عنوان موضوع پایان‌نامه خود در نظر گرفته که در بردارنده اطلاعات درباره علم است. خیراندیش از طریق لئو تصویرهایی از کتابخانه غربی و متفکرانی که در این زمینه مطلبی نوشته‌اند به مخاطب ارائه داده. او سپس به لندن رفته و سفری خیالی به بغداد قرن سیزدهم انجام داده است، جایی که یک ناسخ به نام کمالی اصفهانی دست‌نوشته «مکالمه بغداد و اصفهان» را نوشته، و در نهایت نیز به اصفهان قرن هجدهم می‌رود و با ناسخی دیگر به نام جمال که همان نسخه را کتابت کرده دیدار می‌کند.

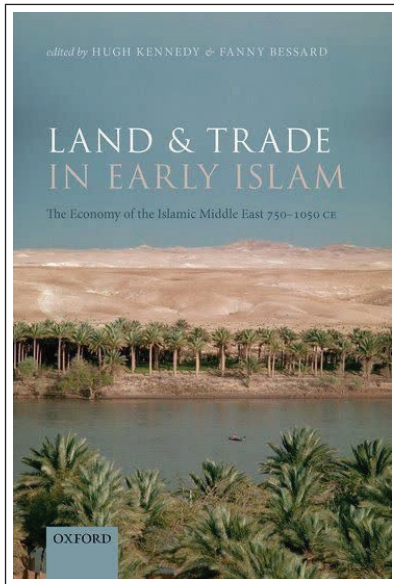
در فصل دوم نادرشاه و نیوتن را کنار هم می‌بینیم و نقش نیوتون در علم مدرن و موضوعات مهم در کلاس‌های لئو در هاروارد درباره علم در اسلام میانه و «از اسکندریه به بغداد» را می‌خوانیم. نویسنده به این روش و به دور از پیچیدگی‌های فنی، دیدگاه‌های غربیان درباره علوم را عرضه و با

دیدگاه‌های مسلمانان مقایسه می‌کند. سپس کتاب به بغداد و اصفهان و مباحث بین خوارزمی و عمر خیام می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا نیوتون به متحرک بودن زمین رسید اما ملاعلی قوشچی نتوانست برسد؟

در فصل سوم، به تأسیس بغداد در قرن هشتم میلادی پرداخته شده و در خلال زندگی ابن نوبخت و فزاری با اهمیت طالع بینی در آن دوران آشنا می‌شویم که با اشاره به تأثیر سنت‌های علمی ایرانیان بر جوامع مسلمان در قرون نخستین همراه است. در فصل چهارم، همراه لئو به پاریس و لندن و استانبول می‌رویم و در ریان تحقیقات او درباره ابن هیثم و ابن سینا قرار می‌گیریم. در فصل پنجم، «پنجره‌ای به علوم در قرون نخستین» گشوده می‌شود که در واقع یک نمایشگاه مجازی است و همچنین لئو در کنفرانسی در ایران درباره گالیله شرکت و از مراغه و اصفهان دیدن می‌کند. همین‌طور مباحثی در رابطه با اخترشناسی ابن رشد و خواجه نصیرالدین طوسی نیز مطرح می‌شود. در فصل ششم، لئو با دیدگاه‌های اخترشناسان در اصفهان و استانبول آشنا می‌شود. اینجاست که نویسنده دیدگاه خود درباره علل ناکامی دانشمندان مسلمان همچون شیخ بهائی در رسیدن به کشفیاتی همپای دانشمندان اروپایی و تبدیل علم به فناوری را مطرح می‌کند. از نظر خیراندیش علت این مسئله دو چیز است: عدم کشف تلسکوپ، نبود جامعه علمی در ایران که تکاپوهای علمی نسل‌های پیشین را غنای بیشتر بخشد.

در صفحات پایانی کتاب، خواننده به یک سفر در موزه خانه ستارگان در اصفهان می‌رود و نویسنده دیدگاه خود را درباره اینکه چرا سنت علمی در سرزمین‌های اسلامی به بخت و اقبال دست نیافت که گالیله و نیوتن به آن دست یافتند بیشتر توضیح می‌دهد.

کتاب به راستی کنجکاو خواننده را برمی‌انگیزد و مانند آن است که واقعاً پای درس یک استاد دانشگاه نشسته باشیم که با ابزارهای متنوع مطالبی را درباره تاریخ علم در جهان اسلام بیان کند. کلیت کتاب دارای اطلاعات غنی در رابطه با علم با تمرکز بر اخترشناسی است و روایت داستانی کتاب تانیوتن و حتی انیشتین می‌رسد. می‌توان اجمالاً گفت که آنچه درباره عدم توفیق جامعه اسلامی در عرصه علم در مقایسه با اروپا ارائه کرده خلاف آن چیزی است که تاکنون در این باره مطرح شده و این خود می‌تواند کتاب را جالب‌تر کند. خیراندیش در این کتاب تصویری بسیار غنی از مطالعات علم در جهان اسلام ترسیم کرده است. تنوع کتاب ممکن است در تعیین مخاطب واقعی کتاب ابهام‌هایی ایجاد کند. شاید بهتر بود به جای ایجاد لحن‌های مختلف و ترکیب سبک‌های داستانی و مطالب علمی، یکی از این چند روش راگزید.



LAND AND TRADE IN EARLY ISLAM: The Economy of the Islamic Middle East

زمین و تجارت در اسلام نخستین: اقتصاد خاورمیانه اسلامی در قرون ۷۵۰ تا ۱۰۵۰ میلادی

هیو کندی و فانی بسارد از اساتید برجسته تاریخ اسلام به شمار می‌آیند که پیش از این نیز آثاری در این مورد منتشر کرده‌اند. چنان‌که از عنوان کتاب پیداست این اثر متمرکز بر تاریخ اقتصادی اسلام تحولات تاریخ اقتصادی و اجتماعی اسلام در قرن‌های دوم تا چهارم و مفهوم چندمرکزی و دیالکتیک میان جهانی و جهان محلی در این فاصله را بررسی می‌کند. نویسندگان در این اثر به پویای‌های مربوط به مالکیت زمین در اسلام، مسیرهای تجاری وقت، و تعاملات اقتصادی اسلام اولیه می‌پردازند و نشان می‌دهند که این مناسبات چگونه به شکل‌گیری جوامع اولیه اسلامی منجر شده است.

زمین و تجارت در اسلام نخستین برداشت سنتی که اقتصاد اسلامی را یک کل یکپارچه می‌بیند زیرسوال می‌برد و نشان می‌دهد که مراکز و شبکه‌های اقتصادی متنوعی در سراسر قلمرو خلافت وجود داشته‌اند. به نظر نویسندگان، این مراکز علاوه بر اینکه با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند بر همدیگر نیز تأثیر متقابل داشته‌اند. آنان معتقدند که اسلام نخستین، مجموعه‌ای از اقتصادهای محلی بوده و این مجموعه نه تنها با خود که با سایر نقاط جهان از اروپا تا خاور دور در ارتباط بوده است. همه این دعاوی با تکیه بر طیف گسترده‌ای از منابع اسلامی، یونانی و ارمنی مطرح شده و اهمیت این فرضیه آنجاست که تصور کلی از اقتصاد امپراطوری شرقی یعنی اقتصاد مرکزگرا و آمرانه را زیرسوال می‌برد. نویسندگان اثر البته در پی فدرال و مسطح نشان دادن ساختار اقتصادی

نیستند و بر نقش دولت نیز تاکید دارند. از نظر آنها نقش حکام و خلفای اسلامی در این بین شامل طیف گسترده‌ای از وظایف و اقدامات همچون تنظیم قوانین بازرگانی، به‌سازی راه‌های تجاری تا مدیریت تولیدات کشاورزی و کارگاهی بود. آنها انواع نهادها و سیاست‌های اقتصادی حاکمان اسلامی را برای واکاوی عملکرد اقتصادی حکام تشریح و بررسی می‌کنند.

درخشان‌ترین و برجسته‌ترین بخش کتاب ادعای محققان درباره نقش مناطق حاشیه‌ای و مرزی اسلام در اقتصاد اسلامی است. آنها این تصور را که سرزمین‌های تازه فتح شده مانند قفقاز در مناسبات اقتصادی کاملاً منفعل و دریافت‌کننده سیاست‌ها و راهبردهای کلی اقتصادی مرکز خلافت بوده‌اند زیر سؤال می‌برند و نشان می‌دهند که مناطق پیرامونی نقش کلیدی در توسعه شهرنشینی و پیشرفت تجاری و اقتصادی داشته و حاکمیت نیز از این دستاوردها استفاده کرده است.

این اثر، شواهد محور است و محققان در طرح دعاوی خود مکرراً به اسناد متنوع ارجاع می‌دهند. همین رویکرد منجر شده که آنها مدعایی جدی، کلان و در عین حال مستند و جزئی درباره اقتصادی اسلامی در قرون اولیه داشته باشند. زمین و تجارت در اسلام نخستین جزییات مبسوطی درباره اقتصاد اسلامی با تاکید بر مناسبات کلان، فرایندها، تنوع‌ها و پیچیدگی‌های تاریخی و جغرافیایی ارائه می‌دهد که در کم‌تر کتاب تاریخی می‌توان مانندش را پیدا کرد.

به نظر می‌رسد که زمین و تجارت در اسلام نخستین می‌تواند برای تمامی علاقه‌مندان به تاریخ اسلام و مطالعات خاورمیانه و همین‌طور به کسانی که در صدد یافتن الگویی برای انجام پژوهش تاریخی هستند یک اثر کاملاً مفید باشد. انتشارات دانشگاه آکسفورد در فوریه ۲۰۲۴ این اثر را منتشر خواهد کرد.